

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه ی ، دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۴ - ۳۰ ربیع الاول ۱۴۳۷

نتیجه‌ی بحث دیروز در مورد صحیح‌ه‌ی ابی بصیر این شد که اطلاق «کلّ رایة» بایستی به رایته‌ی که مردم را به خودش یا در مقابل حق دعوت می‌کند مقید شود، نه رایته‌ی که به سوی حق یا الله دعوت می‌کند.

اشکال بر جواز تقييد اطلاق روایت

همچنین اشکالی مطرح شد به این که کلمه‌ی کل دلالت بر عموم استغراقی می‌کند و این عموم را نمی‌توان بدون قرینه یا دلیل محکم، مقید کرد. یعنی اگر ما باشیم و ظاهر روایت مولا علیه السلام که فرموده‌اند: «کلّ رایة ترفع قبل قیام...» امام علیه السلام در مقام تشخیص رایة باطل و رایة حق از حیث زمان هستند.

قبلاً گذشت که اطلاق با وجود مقدمات حکمت ثابت است و اگر مقدمات حکمت کامل بود نمی‌توانیم آن اطلاق را مقید کنیم و بایستی به همان عمل کنیم؛ مقدمات حکمت هم عبارت از آن است که مولا در صدد بیان حکم باشد و قیدی را بیان نکند؛ پس اگر با وجود مقدمات حکمت اطلاق ثابت شد، دیگر نمی‌توانیم با قید احتمالی و فرضی از آن صرف نظر کنیم.

۱. عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب؛ الكافي؛ جلد ۸، صفحه‌ی

در این روایت هم حضرت «رفع رایة» را از حیث زمان به قبل از قیام قائم مقید فرمودند؛ پس امام معیار حقانیت رایة را بر حسب زمان بیان فرموده‌اند و در مقام بیان تشخیص رایة باطل از رایة حق به حسب زمان بوده‌اند. نتیجتاً اطلاق آن طرف دیگر را می‌گیرد و نمی‌توانیم آن را مقید نماییم؛ این کل دلالت بر عموم استغراقی (نه مجموعی) دارد و این مطلق قابل تقیید نیست.

پس با توجه به متن این روایت، نمی‌توانیم رایة را مقید کنیم و بگوییم «بر حسب هدف» کدام رایة باطل و کدام حق است و نمی‌توانیم بگوییم رایة‌ی که مردم را به سمت خودش دعوت کند باطل است و رایة‌ی که به سمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت کند حق است.

جلسه‌ی پیش گفتیم که آن رایة‌ی که قبل از قیام قائم بلند می‌شود و باطل است، رایة‌ی است که ضلالت است و به غیر خدا دعوت کند، اما در این جلسه بحث بر سر این است که در متن روایت، ملاک «زمان» برای تشخیص رایة حق از باطل مطرح شده است [و هر رایة‌ی که در زمان قبل از قیام قائم بلند شود، باطل است].

پاسخ اشکال:

فرض بالا در صورتی درست است که در اصل قضیه احتمال دیگری (جز احتمال بیان حکم) برای تشخیص حق یا باطل بودن رایة نباشد، در صورتی که در مورد این روایت احتمال دیگری هست که آن احتمال، «وجود قضیه‌ی خارجی» در مورد این روایت است.

در زمان امام صادق علیه السلام قیام‌های متعددی صورت می‌گرفت که ایراداتی داشتند و نتیجه‌ای جز هدر رفتن خون شیعیان نداشتند و حضرت این روایت را برای این قیام‌ها گفتند که جلوی آنها را بگیرند.

در محاورات عادی نیز چنین بیانی متداول است؛ به عنوان مثال، در جایی که در مورد قضیه‌ای بحث می‌کنیم و گفته می‌شود: «هرکس فلان عقیده را نداشته باشد منحرف است» مقصود ما فقط شخص مقابل در بحث است، نه هر کسی که احیاناً ممکن است در جلسه هم حضور نداشته باشد.

صدور این روایت به این صورت نبوده که امام علیه السلام ارتجالاً و بی مقدمه و برای بیان یک حکم کلی آن را فرموده باشند، بلکه از قرائن فهمیده می شود که امام برای قضیه ای خارجی این فرمایش را فرموده اند.

بایستی توجه داشت که اگر در اجتهاد از همان اول با مبانی اصولی عمل کنیم، استدلالمان محکم خواهد بود، وگرنه سخن و برهان سست خواهد بود.

در نتیجه، با احتمال این که قضیه ای خارجی باشد، «در مقام بیان بودن امام» زیر سؤال می رود و نمی شود به اطلاق و کلیت روایت تمسک نمود.

پاسخ دیگر:

با دقت در ظاهر روایت مشخص می شود که این روایت با روایات زیادی تعارض دارد و در صورت تعارض حتماً بایستی سراغ جمع عرفی برویم (الجمعُ مهما أمکن أولى من الطرح) و در مقام جمع مجبوریم بگوییم «رایة» در این روایت مطلق نیست و مراد از آن فقط «رایة ضلالت» است. در ادامه، به بعضی از روایاتی که با این روایت تعارض دارند می پردازیم.

روایاتی که با صحیحی ابی بصیر (کلّ رایة...) تعارض دارند

اگر این روایت (صحیحی کلّ رایة) را عام بگیریم، از استغراق آن ردّ کلیه قیامها از زمان ظهور اسلام تا قبل از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف فهمیده می شود، لیکن روایاتی که در تقدیس قیام زید و قیام حسین بن علی (شهید فخّ) و ... صادر شده اند و در حد مستفیضه هستند، با استغراق آن تعارض دارند.

روایت دیگر، صحیحی ابی بصیر از امام باقر علیه السلام در بیان علائم ظهور است؛ حضرت می فرمایند:

و لیس فی الرايات رایة أهدى من الیمانی. هی رایة هدی، لأنه یدعو الی صاحبکم. فاذا خرج الیمانی حرم بیع السلاح علی الناس و کلّ مسلم. و اذا خرج الیمانی فانهض الیه، فان رایته رایة هدی. و لا یحل لمسلم ان یتولی علیه، فمن فعل ذلك فهو من أهل النار، لأنه یدعو الی الحق و الی طریق مستقیم.^۱

وقتی پرچم یمانی «أهدی» (هدایتگرتر) است، پس پرچم‌های دیگر «هادی» هستند. همچنین این نکته قابل توجه است که این که در روایت، ملاک هدایت‌گری رایة با عنوان «یدعو الی صاحبکم» بیان شده است و از آنجا که «العلّة یعمّم و یخصّص» معلوم می‌شود که هر رایة‌ی که صاحب آن به سوی حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دعوت کند، رایة هادی است.

پس در این روایت چهار نکته است که در تعارض قطعی با صحیح‌های «کلّ رایة...» هستند:

۱. «... رایة أهدى من الیمانی»: پس رایاتی غیر از رایة یمانی هست که هادی هستند.
۲. «هی رایة هدی، لأنه یدعو الی صاحبکم»: پس رایة‌ی قبل از رایة حضرت هم هست که رایة هدی است، با این ملاک که دعوت کند به سوی صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. (مانند این است که امام در مقام تعمیم حقانیت قیام است به همه‌ی قیام‌هایی که با این هدف هستند)
۳. «... لأنه یدعو الی الحق»: این هم تعلیل دیگری است برای حقانیت رایة یمانی.
۴. «إلی طریق مستقیم»: این هم بیان ملاک دیگری است برای حقانیت رایة.

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر؛ الغیبة، صفحه‌ی ۱۷۱ (چاپ دیگر: صفحه‌ی ۲۵۶)، باب ۱۴ (باب ما جاء فی العلامات التي تكون

قبل قیام القائم «ع»)، حدیث ۱۳